

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال دوم شماره ۶ تابستان ۱۳۸۶

## بررسی حافظه و میزان اطمینان به حافظه در اختلال وسواسی - اجباری و

### شخصیت وسواسی - اجباری

دکتر مجید محمودعلیلو - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز  
دکتر منصور بیرامی - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز  
دکتر تورج هاشمی نصرت‌آباد - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز  
دکتر عباس بخشی‌پور رودسری - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

#### چکیده

هدف این مطالعه بررسی میزان حافظه و نیز اطمینان به حافظه در گروه‌هایی از افراد دارای اختلال وسواسی - اجباری (از نوع واری) و افراد مبتلا به اختلال شخصیت وسواسی - اجباری در مقایسه با گروه کنترل وسواسی - اجباری از نوع شستشو و نیز گروه بهنجار است. برای این منظور ۴ گروه از آزمودنی‌ها (یک گروه وسواسی از نوع واری؛ یک گروه شخصیت وسواسی - اجباری، یک گروه وسواسی از نوع شستشو و یک گروه سالم) هر کدام به تعداد ۲۰ نفر و جمعاً ۸۰ نفر انتخاب گشتند. پرسش‌نامه‌های اضطراب بک و سیاهه وسواسی - اجباری مادزلی بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد و سپس برای تایید تشخیص براساس ملاک‌های تشخیصی DSMIV با آزمودنی‌های بالینی مصاحبه به عمل آمد. حافظه و اطمینان به حافظه از طریق برنامه رایانه‌ای بررسی شدند. یافته‌ها نشان دادند که گروه‌های پژوهش در آزمون یادآوری تفاوتی با همدیگر نداشتند. گروه واری‌کننده و گروه شخصیت وسواسی - اجباری در میزان اطمینان به حافظه با دو گروه دیگر متفاوت بودند. می‌توان فرض کرد که بین نوع واری اختلال وسواسی اجباری و شخصیت وسواسی - اجباری یک ارتباط ویژه وجود دارد و پژوهش‌های بیشتر دربارهٔ سیمایه‌شناختی این دو اختلال می‌تواند به فهم، تشخیص و درمان این حالات کمک شایانی بکند.

واژه‌های کلیدی: اطمینان، حافظه، سوگیری.

از زمان معرفی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) تاکنون به اختلال وسواسی - اجباری به عنوان پدیده‌ای همگن نگاه شده است (جنایک و همکاران، ۱۹۹۸). چکیده این دیدگاه این است که اختلال وسواسی - اجباری دارای جوهره واحدی است (کلمن و همکاران، ۱۹۹۷ نقل از جنایک و همکاران، ۱۹۸۸). گرچه این دیدگاه دارای سودمندی‌های عملی مشخصی است ولی در عین حال بسیار گمراه‌کننده بوده است. گودمن (۱۹۸۹) معتقد است که کاربرد مقیاس‌هایی که عمدتاً بر شدت علائم توجه دارند، در این نوع از تحقیقات موجب غفلت از بسیاری از وجوه مهم اختلال وسواسی - اجباری شده است. با این همه در طی دو دهه گذشته محققان کوشیده‌اند تا براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، پدیده‌شناختی و نشانه‌شناختی وسواس‌ها را به گروه‌های مستقل تقسیم نمایند. مارکس (۱۹۶۹) جزو اولین کسانی است که به وجود زیرمجموعه‌های وسواسی - اجباری توجه نمود. او دو شکل اصلی فعالیت‌های وسواسی - اجباری را شستشوی ناشی از ترس از آلودگی و واری ناشی از ترس از خطر اعلام کرد. همین‌طور راجمن و هاجسون (۱۹۸۰) از واری و شستشو به عنوان دو شکل اصلی فعالیت‌های وسواسی نام بردند. در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) از اصطلاحات «شوینده‌ها»، «واری‌کننده‌ها» و «ذخیره‌کننده‌ها» استفاده شده است که به نوعی نشان‌دهنده توجه به وجود زیرمجموعه‌ها در این اختلال است.

در حال حاضر توجه به وجود زیرمجموعه‌های مجزا در درون اختلال وسواسی - اجباری خط جدیدی از پژوهش‌ها را باعث شده است. این پژوهش‌ها به شکل‌گیری چارچوب‌های نظری متفاوت برای زیرمجموعه‌های وسواسی انجامیده و ضرورت شناسایی سازه‌های شناختی این زیرمجموعه‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند (منزیس و داسیلوا، ۲۰۰۳). یک حوزه از این پژوهش‌ها متوجه بررسی صفات شخصیتی همراهی‌کننده اشکال مختلف اختلال وسواسی - اجباری بوده و در آن کوشش شده به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بین اشکال مختلف وسواسی - اجباری و صفات

شخصیتی ویژه ارتباطی وجود دارد یا نه. از نظر تاریخی فریود جزو اولین کسانی است که افراد مبتلا به وسواس را افرادی متعصب، انعطاف‌ناپذیر و دارای وجدان سخت‌گیر معرفی کرد (۱۹۰۸؛ نقل از کروک مالیک و منزیس (۲۰۰۳). فروست و شاو (۱۹۹۳) این بیماران را افرادی به شدت کمال‌گرا توصیف کرده‌اند که از خطر کردن در هراس هستند. سالکووسیکس (۱۹۸۵) معتقد است که ترس از خطر کردن با کوشش بیماران وسواسی - اجباری جهت اجتناب از احساس گناه و مسئولیت در ارتباط است. گرشونی وشر (۱۹۹۵؛ نقل از گرشونی و شر، ۲۰۰۰) دریافتند که افراد مبتلا به نوع واری و وسواسی - اجباری در مقایسه با سایر گروه‌های اضطرابی کمال‌گرایی و نگرانی بیشتری را گزارش می‌کنند. همچنین گرشونی و شر (۲۰۰۰) متوجه شدند که این بیماران از وجدان اخلاقی سختگیرانه برخوردار هستند. با توجه به این که کمال‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری، تعصب و وجدان سخت‌گیر به همراه احساس مسئولیت که در بیماران وسواسی - اجباری واری کننده دیده می‌شود در عین حال جزو صفات محوری اختلال شخصیت وسواسی - اجباری نیز است، محققان پیش‌بینی می‌کنند که بین اختلال شخصیت وسواسی - اجباری و اختلال وسواسی - اجباری احتمالاً رابطه‌ای ویژه وجود دارد (به عنوان مثال کروک مالیک و منزیس، ۲۰۰۳).

گرچه یافته‌های اولیه درباره موضوع فوق‌الذکر تا حدی مجادله‌برانگیز بوده است و در مواردی نتایج متناقض به دست آمده است (به عنوان مثال، بلک و همکاران، ۱۹۹۳) با این همه محققانی که بر ارتباط اختلال شخصیت وسواسی - اجباری با اشکال ویژه اختلال وسواسی - اجباری توجه کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که بین اختلال شخصیت وسواسی - اجباری و نوع واری اختلال وسواسی - اجباری ارتباط وجود دارد (به عنوان مثال، گیبس و اولتمن، ۱۹۹۵؛ گرشونی و شر، ۲۰۰۰). منزیس و داسیلوا (۲۰۰۳) معتقدند که اختلال شخصیت وسواسی - اجباری با نوع واری اختلال وسواسی - اجباری از نظر اشتغال ذهنی با خطرات احتمالی موجود در آینده پیوند می‌یابند. فروست و همکاران (۱۹۹۱) و هونجو و همکاران (۱۹۸۹؛ نقل از فروست و

همکاران (۱۹۹۱) معتقدند که والدین دارای صفات شخصیتی وسواسی - اجباری کودکانی را پرورش می‌دهند که ممکن است در آینده در معرض ابتلا به شخصیت وسواسی - اجباری و یا نوع واری اختلال وسواسی - اجباری باشند. با توجه به این که نقایص حافظه (رید، ۱۹۷۷؛ روبنشتاین و همکاران، ۱۹۹۳) و اشکال ویژه در اطمینان به حافظه (راچمن، ۲۰۰۲) از خصوصیات شناخته شده بیماران وسواسی - اجباری از نوع واری می‌باشد. در این مطالعه سعی شده است تا ضمن بررسی مجدد مشکلات مربوط به حافظه در وسواسی - اجباری‌های واری کننده، این موضوع در افراد دارای اختلال شخصیت وسواسی - اجباری نیز مورد بررسی قرار گرفته و به این پرسش که آیا از نظر این وجه شناختی مهم بین واری کننده‌ها و اختلال شخصیت وسواسی، اجباری ارتباطی ویژه وجود دارد، پاسخ داده شود. لذا با توجه به مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی فرضیه‌های زیر تدوین و مورد بررسی قرار گرفتند.

۱- از نظر میزان واژه‌های یادآوری شده بین گروه‌های پژوهش (واری کننده‌ها، شستشوکننده‌ها، افراد دارای اختلال شخصیت وسواسی - اجباری و افراد بهنجار) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. ۲- گروه واری کننده و گروه اختلال شخصیت وسواسی - اجباری در مقایسه با گروه‌های دیگر به حافظه خود اطمینان کمتری دارند.

## روش

### جامعه و نمونه آماری

آزمودنی‌ها: آزمودنی‌های این پژوهش از چهار گروه ۲۰ نفره (در مجموع ۸۰ نفر) تشکیل شده است (۲۰ درمانجوی واری کننده، ۲۰ درمانجوی مبتلا به اختلال شخصیت وسواسی - اجباری، ۲۰ درمانجوی مبتلا به نوع شستشوی اختلال وسواسی - اجباری و ۲۰ آزمودنی بهنجار). آزمودنی‌ها از نظر ویژگی‌های سنی و جنسی و سطح تحصیلات و نیز وضعیت اجتماعی - اقتصادی با گروه اختلال شخصیت وسواسی - اجباری هم‌تا شدند. دامنه سنی آنها از ۱۹ تا ۴۶ سال بود. آزمودنی‌های بالینی از میان

مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره اندیشه مهر و رهنمون در تبریز انتخاب شدند. اغلب آنها توسط روانپزشک و با تشخیص یکی از حالات وسواسی - اجباری و یا اختلال شخصیت وسواسی ارجاع شده بودند. با آزمودنی‌های بالینی بر پایه ملاک‌های تشخیص اختلال وسواسی - اجباری و نیز اختلال شخصیت وسواسی - اجباری در ویراست چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) مصاحبه به عمل آمد و بعد از تایید تشخیص، سیاهه وسواسی - اجباری مادزلی جهت تعیین تابلوی بالینی مسلط اختلال به درمانجویان وسواسی - اجباری داده شد. با توجه به این که نمرهٔ برش ۲ به عنوان حد پایین برای هر دو شکل وارسی‌کننده و شستشوکننده در خرده‌آزمون‌های شستشو و وارسی سیاههٔ مذکور و نمره برش ۶ در خرده‌آزمون وارسی برای وارسی‌کننده‌ها و نمره برش ۷ در خرده‌آزمون شستشو برای شستشوکننده‌ها در پژوهش قبلی (محمودعلیلو و همکاران، ۱۳۸۴) تعیین شده است، در پژوهش حاضر نیز از منطق مذکور برای تخصیص آزمودنی‌های وسواسی - اجباری به دو گروه وارسی‌کننده و شستشوکننده استفاده شد. گروه بهنجار از میان همراهان درمانجویان که سابقه ناراحتی‌های روانی را فاقد بودند، انتخاب شدند. جدول شماره یک ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های این پژوهش را نشان می‌دهد.

**سیاهه وسواسی - اجباری مادزلی:** این سیاهه از سی گزاره درست شده است که پاسخ به هر کدام از آنها به صورت درست / نادرست می‌باشد. این سیاهه به صورت ویژه برای بررسی نشانه‌های اختلال وسواسی - اجباری طراحی و تدوین شده است (هاجسون و راجمن، ۱۹۷۷) و دارای ۵ خرده‌آزمون (وارسی، شستشو، شک وسواسی، کندی و نشخوار ذهنی) است (راجمن و هاجسون، ۱۹۸۰). استرنبرگر و برنز (۱۹۹۰، الف) ضریب پایایی این آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۹ برآورد کرده‌اند. در پژوهش حاضر سیاهه مذکور با فاصله ۱۰ روز دو بار بر روی گروهی ۳۰ نفره از دانشجویان اجرا شد و همبستگی آزمون - آزمون مجدد آن برابر با  $r=0/78$  برآورد شد.

**سیاهه اضطرابی بک:** این سیاهه با الگوبرداری از سیاهه افسردگی بک ساخته شده و نشانه‌ها و شدت اضطراب را در آزمودنی‌ها می‌سنجد و بر پایه مقیاسی از صفر تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود و حداکثر نمره‌ای که در آن به دست می‌آید ۶۳ است (سیاهه دارای ۲۱ ماده است). بک و همکاران (۱۹۹۸) همسانی درونی آن را برابر با ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند و همچنین باز آزمایی یک هفته‌ای، پایایی سیاهه اضطرابی بک را ۰/۷۵ برآورد کرده است (همان منبع). در پژوهش حاضر، این سیاهه در فاصله ۱۰ روز دو بار بر روی گروهی ۳۰ نفره از دانشجویان اجرا و همبستگی دو بار اجرای آن برابر با ۰/۸۶ بدست آمد.

**تکالیف رایانه‌ای حافظه:** برای بررسی میزان حافظه شخصی، و اطمینان به حافظه دو فهرست ۳۰ واژه‌ای به صورت جداگانه تهیه و از طریق رایانه به آزمودنی‌ها ارائه شد. با توجه به این که در این پژوهش سویمندی در حافظه مورد بررسی قرار نمی‌گرفت، لذا جهت کنترل تاثیر سویمندی در توجه و حافظه از واژه‌های خنثی به عنوان تکالیف آزمایشی استفاده شد. برای تهیه فهرست واژه‌ها ابتدا ۱۰۰ واژه خنثی از نظر اضطراب انتخاب و سپس به گروهی ۱۵ نفره از افراد دچار اختلال اضطراب فراگیر، و اختلال وسواسی - اجباری داده شد و از آنها خواسته شد که براساس مقیاسی از صفر (عدم اضطراب) تا شش (اضطراب کامل) آنها را رتبه‌بندی نمایند در نهایت واژه‌هایی که نمره ۲ یا کمتر آوردند انتخاب شدند. بدین صورت دو فهرست ۳۰ واژه‌ای از واژه‌های خنثی تهیه و از طریق رایانه به آزمودنی‌ها ارائه گشت. فهرست اول جهت بررسی ظرفیت عمومی حافظه مورد استفاده واقع شد و سپس ۳۰ واژه فهرست دوم با واژه‌های فهرست اول مخلوط و برای بررسی میزان اطمینان به حافظه مورد استفاده واقع گشت. روش کار در این قسمت بدین صورت بود که آزمودنی‌ها باید قضاوت می‌کردند که کدام واژه‌ها را قبلاً (در کوشش اول) دیده‌اند. سپس درباره میزان اطمینان خود به حافظه‌شان بر پایه مقیاسی از صفر تا ۱۰۰ قضاوت می‌کردند. در هر دو فهرست واژه‌ها در هر بار ارائه خود به صورت تصادفی به آزمودنی‌ها ارائه شد.

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز  
 سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶

### یافته‌ها

جدول شماره یک ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش

متغیرها	وارسی‌کننده‌ها (n=20)	شستشوکننده‌ها (n=20)	شخصیت و سواسی - اجباری (n=20)	بهنجار (n=20)
	مرد	۱۲	۹	۸
تحصیلات	زیردیپلم	۴	۳	۴
	دیپلم	۱۱	۱۴	۱۲
	دانشگاهی	۵	۳	۶
وضعیت تاهل	متاهل	۸	۱۱	۱۲
	مجرد	۱۲	۹	۸
شغل	بیکار	۱	۰	۱
	خانه‌دار	۵	۸	۶
	شاغل	۱۴	۱۲	۱۴

جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار و نتایج آزمون F آزمودنی‌ها را در آزمون‌های وسواسی - اجباری مادزلی و اضطراب بک و متغیر سن نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) میانگین انحراف معیار و نتایج آزمون F گروه‌ها در سیاهه وسواسی - اجباری مادزلی، سیاهه اضطراب بک و متغیر سن

P	F	بهنجار		شخصیت و سواسی - اجباری		شستشو کننده‌ها		وارسی کننده‌ها		متغیر
		SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۰/۰۰۰۱	۹۲/۲۹	۰/۹۱	۳/۱۳	۰/۷۹	۳/۲۶	۰/۶۳	۱/۸۶	۱/۰۹	۶/۹۳	خرده آزمون واریسی سیاهه مادزلی
۰/۰۰۰۱	۱۲۸/۲	۱	۲	۰/۹۱	۲/۱۳	۰/۷۵	۷	۰/۵۶	۱/۸۰	خرده آزمون شستشوی سیاهه مادزلی
۰/۰۰۰۱	۲۲۲/۷	۰/۶۳	۷/۵۳	۱/۹۸	۱۷	۱/۵۵	۱۹/۸۶	۱	۱۶/۸	سیاهه اضطراب بک
N.S	۰/۰۹۲	۷/۶	۲۸/۳	۸	۲۹	۸/۵	۲۹/۵	۸/۵	۲۹/۸	سن

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد که بین گروه‌های پژوهش از نظر میزان یادآوری واژه‌ها تفاوت وجود ندارد. جدول شماره ۳ میانگین و انحراف معیار گروه‌ها را در آزمون یادآوری نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳) میانگین و انحراف معیار گروه‌ها در آزمون یادآوری

گروه‌ها	نمونه	میانگین	انحراف معیار
وارسی‌کننده‌ها	۲۰	۱۳/۸	۱/۳۰
شستشوکننده‌ها	۲۰	۱۴/۲	۱
شخصیت و سواسی - اجباری	۲۰	۱۳/۹	۰/۸۲
گروه بهنجار	۲۰	۱۳/۹۳	۱/۰۹

داده‌های جدول شماره ۳ به وسیله تحلیل واریانس یک راهه تحلیل شد. جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس یک راهه را درباره عملکرد گروه‌ها در آزمون یادآوری نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول شماره ۵ دیده می‌شود F به دست آمده مقدار (۱/۳۹) در سطح ۰/۵ خطا از F مورد انتظار کوچکتر است بنابراین بین گروه‌ها تفاوت معنی‌دار از نظر یادآوری واژه‌ها وجود ندارد و در نتیجه فرضیه اول تایید می‌شود.

جدول شماره (۴) میانگین و انحراف معیار گروه‌ها در آزمون اطمینان به حافظه

گروه‌ها	نمونه	میانگین	انحراف معیار
وارسی‌کننده‌ها	۲۰	۵۸/۶	۳/۹
شستشوکننده‌ها	۲۰	۸۵	۵
شخصیت و سواسی - اجباری	۲۰	۶۲	۶/۲
گروه بهنجار	۲۰	۹۴/۳	۴/۱

جدول شماره (۵) نتایج تحلیل واریانس یک راهه در زمینه آزمون یادآوری و میزان اطمینان به حافظه

Sig	F	MS	DF	SS	منابع تغییرات
N.S	۱/۳۹	۱/۶۶	۳	۴/۹۸	آزمون یادآوری
					بین گروه‌ها
		۱/۱۹	۵۶	۶۶/۶۶	درون گروه‌ها
۰/۰۰۰۱	۱۸۷/۷	۴۵۴۷/۷	۳	۱۳۶۴۳/۳	آزمون اطمینان به حافظه
					بین گروه‌ها
		۲۴/۲	۵۶	۱۳۵۶/۶	درون گروه‌ها



فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که گروه وارسی‌کننده و گروه اختلال شخصیت وسواسی - اجباری در مقایسه با دو گروه دیگر اطمینان کمتری را نسبت به حافظه خود دارند. در جدول ۴ میانگین و انحراف معیار گروه‌های پژوهش در آزمون اطمینان به حافظه دیده می‌شود. همان طوری که در جدول ۵ دیده می‌شود  $F$  به دست آمده درباره تفاوت گروه‌ها در آزمون اطمینان به حافظه در سطح  $0/1$  خطا معنی‌دار است. بررسی با آزمون تعقیبی توکی نشان داد که گروه‌های وارسی‌کننده و اختلال شخصیت وسواسی - اجباری از نظر اطمینان به حافظه با همدیگر تفاوت معنادار ندارند ولی با دو گروه شستشوکننده و بهنجار تفاوت معنی‌دار دارند. بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تایید می‌شود.

#### بحث و نتیجه‌گیری

همان طوری که ملاحظه شد فرضیه اول این پژوهش مبنی بر نبود تفاوت گروه‌ها در میزان یادآوری عمومی واژه‌ها تایید شد. گرچه بعضی از پژوهش‌های قبلی تفاوت‌هایی را در میزان حافظه افراد وسواسی - اجباری وارسی‌کننده در مقایسه با سایر گروه‌های وسواسی - اجباری و اختلالات اضطرابی نشان داده‌اند (به عنوان مثال، شر و همکاران، ۱۹۸۳) ولی تولین و همکاران (۲۰۰۱) با مرور ۱۴ پژوهش صورت گرفته در زمینه نارسایی حافظه در بیماران وارسی‌کننده شواهد کافی برای دفاع از این عقیده پیدا نکرده‌اند. در پژوهش قبلی نگارنده (محمودعلیلو و همکاران، ۱۳۸۴) نیز چنین تفاوتی دیده نشد. بنابراین وجود یک نقص عمومی در حافظه مبتلایان نوع وارسی اختلال وسواسی - اجباری در این پژوهش تأیید نمی‌شود.

آنچه که از نظر اهداف این پژوهش بسیار مهم است تایید فرضیه دوم پژوهش حاضر است که به نوعی موضوع اصلی این پژوهش نیز به شمار می‌رود. در یکی از جدیدترین تبیین‌های مربوط به مشکلات حافظه‌ای در بیماران وسواسی - اجباری گفته می‌شود که منبع اصلی شک و تردیدهای مکرر این بیماران به ویژه نوع وارسی‌کننده آن به اطمینان کمتر آنها به حافظه‌شان مربوط می‌گردد (تولین و همکاران، ۲۰۰۱). راجمن در نظریه

شناختی خود راجع به اجبارهای واری، معتقد است که علت اصلی نارسایی‌های حافظه‌ای در این افراد به اطمینان کمتر آنها به حافظه خود مربوط می‌گردد. زیرا آنها برای کسب اطمینان از فقدان یا کاهش احتمال خطر به طور مکرر اقدام به واری می‌کنند، اما این رفتار جستجوی امنیت از طریق واری، اثراتی معکوس به بار می‌آورد و رفتار واری را در یک چرخه خود تداوم بخش گرفتار می‌سازد زیرا به سختی می‌توان به عدم وقوع حوادث ناگوار در آینده اطمینان کرد و از سویی واری‌های مکرر جزئیات، موجب تیرگی حافظه می‌گردد. وجود مشکل در اطمینان به حافظه توسط راجمن (۲۰۰۲) تولین و همکاران (۲۰۰۱) مک دونالد و همکاران (۱۹۹۷) رادوموسکی و راجمن (۱۹۹۹) و محمودعلیلو و همکاران (۱۳۸۴) تایید شده است. وجود مشکل در اطمینان به حافظه در پژوهش حاضر نیز تاییدی بر این موضوع و هماهنگ با پژوهش‌های پیشین است. راجع به وجود مشکلات در اطمینان به حافظه در افراد دارای اختلال شخصیت وسواسی - اجباری پژوهشی صورت نگرفته است. لکن درباره وجود ارتباط بین این الگوی شخصیت و نوع واری اختلال وسواسی - اجباری شواهد متعددی ارائه گشته است. به عنوان مثال گیبس و اولتمن (۱۹۹۵) در یک پژوهش متوجه شدند که بین اختلال شخصیت وسواسی - اجباری و نوع واری اختلال وسواسی - اجباری رابطه وجود دارد. منزیس و داسیلوا (۲۰۰۳) معتقدند که نوع واری اختلال وسواسی - اجباری و اختلال شخصیت وسواسی - اجباری از نظر اشتغال ذهنی با خطرات احتمالی موجود در آینده باهم پیوند می‌یابند. گیبس و اولتمن (۱۹۹۵) دریافتند که والدین باریک‌بین، خرده‌گیر و متوقع کودکانی را پرورش می‌دهند که در آینده به صورت افراطی نگران ارتکاب اشتباه از جانب خود هستند. چنین افرادی از طریق نظم و ترتیب افراطی (همانند آنچه که در اختلال شخصیت وسواسی - اجباری دیده می‌شود) و واری مکرر (همانند آنچه که در بیماران واری‌کننده دیده می‌شود) سعی در به حداقل رساندن و یا عدم ارتکاب اشتباه می‌کنند. فروست و شاو (۱۹۹۳) از بلاتصمیمی به عنوان ویژگی مشترک اختلال وسواسی - اجباری و نوع واری اختلال وسواسی - اجباری و فروست و کراوس (۱۹۹۳) نقل از جنایک و همکاران، (۱۹۸۸) رفتار

احتکار و بلاتصمیمی را خصیصه مشترک آن دو اعلام کرده‌اند. گیبس و اولتمن (۱۹۹۵) و استکتی (۱۹۸۵) نیز اختلال شخصیت وسواسی - اجباری و نوع واریسی اختلال وسواسی - اجباری را نتیجه مواجهه با الگوی والدینی خرده‌گیر، منتقد و سختگیر توصیف نموده‌اند. تایید فرضیه دوم پژوهش حاضر نیز هماهنگ با یافته‌های فوق‌الذکر شاهد دیگری بر تفاوت اساسی نوع واریسی اختلال وسواسی - اجباری با سایر اشکال آن و به ویژه با شایع‌ترین شکل این اختلال یعنی نوع شستشو / آلودگی از یک سو و ارتباط ویژه نوع واریسی با اختلال شخصیت وسواسی - اجباری از سوی دیگر است.

قابل شدن اهمیت فوق‌العاده به نظم و ترتیب امور از سوی افراد مبتلا به اختلال شخصیت وسواسی - اجباری می‌تواند ناشی از اطمینان کمتر آنها به حافظه‌شان بوده و به عبارت دیگر این اشخاص با توسل به انضباط آهنین می‌کوشند تا اطمینان بیشتری را به حافظه خود ایجاد نمایند، اما همان طور که راجمن (۲۰۰۲) درباره اجبارهای واریسی گفته است این تلاش خود ممکن است در یک حلقه معیوب اطمینان به حافظه را حتی کمتر از قبل نماید. طبیعی است که این موضوع ویژه در اختلال شخصیت وسواسی - اجباری نیازمند بررسی بیشتر است.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۸۵/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۸/۷

## References

## منابع

- محمودعلیلو، مجید؛ عاطف‌وحید، محمد‌کاظم؛ بیان‌زاده، اکبر؛ ملکوتی، کاظم. (۱۳۸۴).  
بررسی آزمایشی مشکلات حافظه در مبتلایان به نوع واریسی اختلال وسواسی -  
اجباری اندیشه و رفتار. شماره ۴۰، ص ۶۲-۷۰.
- American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*. (4 ed). Washington D. C.: APA
- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G. and Steer, R. A. (1988). An Inventory for Measuring Clinical Anxiety: Psychometric Properties, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 56, 893-897.
- Black, D. W., Noyes, R. J., Goldstein, R. B., and Blum, N. (1993). A Family Study of Obsessive-compulsive Disorder. *Archiver or General Psychiatry*. 49, 362-368.
- Frost, R.O., and Shows, D.L. (1993). The Nature and Measurement of Compulsive Indecisiveness *Behavior Research and Therapy*. 31, 683-692.
- Frost, R.O., Lahart, C., and Rosenblate, R.(1991). The Development of Perfectionism: A Study of Daughters and Their Parents. *Cognitive Therapy and Research*, 15, 469-989.
- Gershuny, B.S., Sher, K.J., Rossy, L., and Bishop, A.K. (2000). Distinguishing Manifestations of Anxiety: How do Personality Traits of Compulsive Checkers Differ From Other Anxious Individuals? *Behavior Research and Therapy*. 38,229-241.
- Goodman, W.K. (1989). Obsessive-compulsive Disorder: Diagnosis and Treatment. *Journal of Clinical Psychiatry*. 60, 27-31.
- Hodgson, R.J. & Rachman, S. (1977). Obsessional-compulsive Complaints. *Behavior Research and Therapy*. 15, 389-395.
- MacDonald, P.A., Antony, M.M., MacLeod, C.M., & Richter, M.A. (1997). Memory and Confidence in Memory Judgments Among Individual with

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز  
► سال دوم شماره ۶، تابستان ۱۳۸۶
- 

- Obsessive-compulsive Disorder and Non-clinical Controls. *Behavior Research and Therapy*. 33, 997-505.
- Marks, J.M. (1969). *Fears and Phobias*. London Heineman.
- Rachman, S. (2002). A Cognitive Theory of Compulsive Checking. *Behavior Research and Therapy*. 40, 625-639.
- Rachman, S., & Hodgson, R. (1980). *Obsessions and Compulsions*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Radomsky, A.S., & Rachman., S. (1999). Memory Bias in Obsessive-Compulsive Disorder (OCD). *Behavior Research and Therapy*. 37, 605-618.
- Reed, G.F. (1977). The Obsessional-compulsive Experience: A Phenomenological Reemphasis. *Philosophy and Phenomenological Research*. 37, 381-385.
- Rubenstein, C.S., Peynircioglu, Z.F., Chambless, O.L., & Pigott, T.A. (1993). Memory in Subclinical Obsessive-compulsive Checkers. *Behavior Research and Therapy*. 31, 759-765.
- Salkovskiss, P.M. (1985). Obsessional-compulsive Problems: A Cognitive Behavioral Analysis. *Behavior Research and Therapy*. 23, 571-583.
- Sher, K.J., Frost, R.O., Otto, R. (1983). Cognitive Deficits in Compulsive Checkers: An Exploratory Study. *Behavior Research and Therapy*. 21, 357-363.
- Steketee, G.S., Grayson, J.B., and Foa, E.B. (1985). Obsessive-compulsive Disorder: Differences Between Washers and Checkers. *Behavior Research and Therapy*. 23, 147-201.
- Sternberger, L.G., and Burns, G.L. (1990a). Obsessions and Compulsions: Psychometric Properties of the Padua Inventory with an American College Population. *Behavior Research and Therapy*. 22, 341-345.
- Tolin, D. F., Abramowitz, J. S., Brigidi, D., Amir, N., Street, G.P., & Foa, E. B. (2001). Memory and Memory Confidence in Obsessive-compulsive Disorder. *Behavior Research and Therapy*. 39, 913-927.
- Jenike, M. A., Baer, L., Minichiello, W. C., (1998). *Obsessive Compulsive Disorders: Practical Management*. Moby, Inc. USA.